

بررسی تطبیقی بن‌مایه‌های مشترک پایداری در اشعار احمد مطر و نصرالله مردانی

عیسی زارع درنیانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۷

چکیده

ادبیات پایداری در دنیا در اغلب موضوع‌ها و زبان‌ها، جهت‌گیری واحدی را دنبال می‌کند و شاعران و نویسندگان این ادبیات هم تحت تأثیر اغراض مشترک، تلاش می‌کنند تا مهم‌ترین بن‌مایه‌های پایداری را در آثار خود منعکس کنند و به این طریق مردم را در راه مبارزه با اهداف عالی زندگی خود تشویق نمایند و بسا بررسی این بن‌مایه‌ها در دو زبان مختلف، مفهوم پایداری را تقویت می‌کند و بر میزان تأثیرگذاری آن بر اندیشه‌ها می‌افزاید لذا در این پژوهش با روش تحلیلی-مقایسه‌ای مبتنی بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، سعی شده است بن‌مایه‌های مشترک پایداری در دو زبان مختلف- تازی و پارسی- با محوریت شعر دو شاعر، احمد مطر و نصرالله مردانی بررسی شود و مفاهیم مشترک پایداری- ستایش آزادی و آزادگی، عشق به وطن، دعوت به مبارزه و قیام و بهره‌گیری از نمادهای ملی، مذهبی و قومی- در اشعار هر دو مقایسه شود و بیش از پیش زوایای پنهان و ناگشوده ادبیات پایداری را در عراق و ایران بنمایاند و از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که احمد مطر، زبانی طنزآمیز و مایوسانه و نصرالله مردانی زبانی حماسی، آرمانی و امیدوار کننده تحت تأثیر روزگاران و ادبیات خویش در بیان بن‌مایه‌های مشترک ادبیات پایداری دارند، و هر دو در بیان نمادهای ملی و مذهبی سرآمد هستند.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، مفاهیم پایداری، نمادهای ملی، مذهبی و قومی.

مقدمه

ادبیات تطبیقی از شاهکارهای نقد ادبی است که به سنجش آثار، عناصر، انواع، سبک‌ها، دوره‌ها، جنبش‌های و چهره‌های ادبی و به طور کلی، مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف می‌پردازد (امین مقدسی، ۱۳۸۶: ۵۷). از موضوعات ادبیات تطبیقی که در دوره معاصر، نقش بسزایی در تأثیر فرهنگ‌ها بر همدیگر دارد ادبیات پایداری است ادبیاتی که در دوران معاصر، با انگیزه اعتراض به جنبش‌های ضد آزادی و پایداری در برابر متجاوزان با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید و برخی در زمان فاجعه و جنگ و برخی بعد از آن زمان به نگارش چگونگی آن می‌پردازند. استفاده از اصطلاح ادبیات پایداری از دیرباز معمول نبوده است. این ادبیات، در پی آرمان فلسطین پدید آمد و صورت و معنای خود را از مفاهیم و اصطلاحات برخاسته از آن کسب نمود (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۰: ۶۱۲).

این ادبیات در بین ملت‌های گوناگون تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت و آنچه در خلال بررسی‌ها به صورت سروده و نوشته‌ها به کار رفته به نوعی هم‌دلی میهنی و ملی را شامل می‌شود و موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه، دفاع از ارزش‌ها و وطن، تقویت اتحاد و هم‌بستگی و تبدیل ادبیات ملی به ادبیات جهانی از طریق شناساندن نمادهای ملی و مذهبی است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹؛ سلیمی و صالحی، ۱۳۸۹: ۹۹).

در این راستا ادبیات معاصر عراق و ایران، دوران پر فراز و نشیبی را تجربه کرده است در این میان، شاعران متعهد و ملتزمی همانند احمد مطر و نصرالله مردانی نسبت به جامعه و مشکلات موجود آن و استقامت و پایداری بی تفاوت نبوده‌اند و با سلاح قلم و شعر خود با مردم کشورشان همراه و هم‌گام بودند.

احمد مطر شاعر عراقی در دعوت مردم به مبارزه با استعمار دعوت به بیداری استقلال و آزادی خواهی و جهاد بر علیه بیگانگان نقش داشته است و همین‌طور نصرالله مردانی یکی از شاعران برجسته است که در زمینه دفاع مقدس جبهه جنگ شهادت و مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و ستم اشعار بسیاری به جا گذاشته است که هر دو در این زمینه یعنی بن‌مایه‌های ادبیات پایداری قدر اشتراک و اختلاف دارند که در این جستار سعی

شده است با روش تحلیلی-مقایسه‌ای مبتنی بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی،
سؤالات زیر تبیین شود:

- بن‌مایه‌های ادبیات پایداری مشترک در شعر احمد مطر و نصرالله مردانی.
- قدر اشتراک و اختلاف هر دو در بیان بن‌مایه‌های مشترک ادبیات پایداری.

روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیلی-مقایسه‌ای مبتنی بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، با استفاده از شواهد شعری دو شاعر سعی می‌کند به بن‌مایه‌های مشترک پایداری دو شاعر بپردازد.

پیشینه پژوهش

در زمینه ادبیات پایداری و ادبیات احمد مطر و ادبیات نصرالله مردانی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است:

مقاله «تحلیل چند مؤلفه پایداری در آثار شاعران پایداری» نوشته محمد آقاخانی بیژنی و اسماعیل صدقی. مقاله «مقایسه عناصر حماسی کهن با عناصر حماسی شعر دفاع مقدس» نوشته اسحاق طغیانی و افسانه درمیانی. مقاله «تحلیل اجتماعی-شناختی اشعار احمد مطر و سیاوش کسرابی» نوشته سمیه حاجتی و علی صفایی سنگری. مقاله «تحلیل مسأله فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات» نوشته مهدی ابراهیمی و رمضان رضایی. مقاله «پژوهشی در اندیشه‌های سیاسی اشعار احمد مطر» نوشته احمد رضا حیدریان شهری. مقاله «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» نوشته فرامرز میرزایی. مقاله «داستان پردازی در اشعار احمد مطر متأثر از شیوه روایی قرآن کریم» نوشته احمد رضا حیدریان شهری. مقاله «افسانه تمثیلی و کارکرد آن در شعر احمد مطر» نوشته محمود حیدری. مقاله «شیوه کاربردی طنز در تصاویر فکاهی احمد مطر» نوشته یحیی معروف. مقاله «مهم‌ترین عناصر معنایی شعر احمد مطر» نوشته حامد صدقی و مرتضی قدیمی. مقاله «احمد مطر و قضایا شعره السیاسی» نوشته مهین حاجی زاده. مقاله «الحرية فی شعر احمد مطر» نوشته حسن مجیدی. مقاله

«مظاهر أدب المقاومة فی شعر أحمد مطر» نوشته جواد سعدون زاده. مقاله «رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر» نوشته فرهاد رجیبی. مقاله «بررسی موسیقی و صور خیال در شعر جنگ نصرالله مردانی» نوشته حسین صدقی و امیر علی عظیم زاده. شایان ذکر است که در خصوص موضوع این مقاله (بررسی تطبیقی این دو شاعر) پژوهشی انجام نشده است که این خود بر اهمیت موضوع و ضرورت انجام این پژوهش دلالت دارد.

ادبیات تطبیقی

ادبیاتی که ادبیات کشورهای مختلف را بررسی می‌کند و به دنبال یافتن رشته‌های اتصال دو ملت و درک ریشه‌های جریان‌های فکری و تأثیرگذار بر دو یا چند فرهنگ است. در واقع، ادبیات تطبیقی به دنبال موضوعاتی است که یک فرهنگ از فرهنگ دیگری گرفته و با شرایط تاریخی و جغرافیایی و تمدنی خود آن را بومی کرده و تغییر داده، و خلق و خو و عواطف نویسندگان خود را در آن وارد ساخته و نهالی را که از سرزمینی آورده است با احساسات و مشاعر و فهم و درک خود و ملت‌اش پیوند می‌زند و متناسب به ذائقه مردمش پرورش می‌دهد (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۱۰۷).

بن‌مایه در ادبیات پایداری

بن‌مایه یا مضمون که هسته اصلی و جوهر هر متنی را تشکیل می‌دهد، جهت‌گیری فکری نویسنده را به نمایش می‌گذارد و اندیشه اصلی و مسلط آن متن را از آغاز تا پایان در بر دارد و هدف اصلی متن را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که اگر چنین نباشد، متن فاقد ارزش و اعتبار فکری و ادبی می‌گردد؛ به عبارتی، «بن‌مایه یا موتیف (موتیو) در ادبیات عبارت است از درونمایه، تصویر خیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا و رنگ یا کلمه و عبارتی که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ذیل بن‌مایه). در تعریف دیگر گفته‌اند: «درون‌مایه، شخصیت یا الگوی معینی است که به صور گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌گردد» (داد، ۱۳۷۵: ذیل بن‌مایه) و در آثار ادبی مترادف با «مسائل اصلی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۸) و «محتوا و مضمون» مصطلح شده است (یاحقّی، ۱۳۸۲: ۱۸).

شرح حال احمد مطر و نصرالله مردانی

احمد مطر شاعر نوپرداز و صاحب سبک عرب در ۱۹۵۶م در «التنومه» در نزدیکی بصره عراق به دنیا آمد. کودکی را با فقر و محرومیت پشت سر گذاشت. آشنایی با آثار شاعران و نویسندگانی چون پابلو نرودا، ناظم حکمت، نزار قبانی، لورکا و نجیب محفوظ و قریحه و استعداد شگرف‌اش، دست به دست هم دادند تا او نیز با سلاح قلم، مبارزات عدالت طلبانه و آزادی خواهانه‌ای را علیه وضع اسفبار جامعه خود آغاز کند. انتشار هفت مجموعه شعری او تحت عنوان «لافتات» (پلاکاردها) در بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹، از یک سو آوازه‌ای در خور برای شاعر، در میان مردم فراهم آورد و از سویی دیگر تبعید و ممنوعیت نشر در بعضی کشورهای عربی را با او به همراه داشت (عظیمی و سپهوند، ۱۳۹۶: ۱۵).

از ویژگی‌های سروده‌های او، داستانی بودن آن‌هاست که این خصوصیت حاصل تجربه داستان نویسی روزگار جوانی اوست. بخش عمده‌ای از اشعار مطر بر پایه طنزی تلخ و شبیه به کمدی سیاه استوار است که در ابتدا خواننده را شگفت‌زده می‌کند و سپس عقل و وجدان‌اش را بیدار می‌نماید و همه این‌ها به اختصار و در اوج سادگی بیان می‌شود و به مانند عنوان اشعارش در عین کوتاهی و سادگی با موضع‌گیری تند و صریح و تحریک قوی، همچون بمب عمل می‌کند (غنیم، ۱۹۹۵: ۱۸؛ حسینی و بیدج، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

نصرالله مردانی در سال ۱۳۲۶ در کازرون یکی از شهرهای جنوب غربی ایران از توابع استان فارس در یک خانواده مذهبی و علاقه‌مند به شعر و شاعری دیده به جهان گشود. نصرالله مردانی را باید شاعر انقلاب اسلامی نامید که بر خلاف دیگر شاعران نو بودن شعر را در قالب‌های شعری نمی‌دانست بلکه در تازگی مضامین می‌دانست؛ «او نوبودن را در ذات شعر جست‌وجو می‌کرد و به همین خاطر به قالب‌های کلاسیک و کهن شعر فارسی وفادار ماند، در حالی که ترکیب‌ها و نوآوری‌های کم‌نظیرش قالب‌های کهن را سرشار از طراوت و تازگی می‌ساخت. الفاظ و کلمات در حوزه هنر شاعرانه او، رام و فرمانبردار بودند (مردانی، ۱۳۸۷: ۱۹).

مردانی شاعر توانای انقلاب اسلامی توانست با ترکیب‌سازی و نوآوری‌های خود، افق‌های تازه‌ای را برای شاعران نوپای انقلاب به وجود آورد. شعر جنگ و مقاومت نصرالله

مردانی در مجموعه یک جلدی «خون‌نامه خاک» سال ۱۳۷۰ هجری شمسی توسط انتشارات کیهان به طبع رسیده است (رسول نژاد و زارعی، ۱۳۹۱: ۶۰).

بن‌مایه‌های پایداری در اشعار احمد مطر و نصرالله مردانی ستایش آزادی و آزادگی

«آزادی، آرمان آزادی‌خواهان است. ستیز با زندان، بند و اختناق و نیز آرزوی روزهایی که خورشید آزادی از پشت ابرهای تیره بیداد بدمد، فضای شعر پایداری را پر کرده است» (امیری خراسانی، ۱۳۸۸: ۳۷۳). احمد مطر از آزادی می‌نویسد که جز با قدرت سلاح میسر نمی‌شود. در قصیده‌اش بذر حماسی در سینه‌ها می‌کارد و از فرزند زمانه‌اش برای رسیدن به این مهم کمک می‌خواهد (سعدون زاده، ۱۳۸۸: ۶۶).

لا تَطْلُبِي حُرِّيَّةَ أَيُّهَا الرِّعِيَّةُ / لا تَطْلُبِي حُرِّيَّةَ / بل مَارِسِي الحُرِّيَّةَ / قَوْلِي لَهُ إِنِّي وُلِدْتُ
حُرَّةً / قَوْلِي لَهُ إِنِّي أَنَا الحُرِّيَّةُ / إِنْ لَمْ يُصَدِّقْ فَهَاتِي شَاهِدًا / وَيَنْبَغِي فِي هَذِهِ القَضِيَّةِ / أَنْ
تَجْعَلِي الشَّاهِدَ البُنْدُقِيَّةَ (مطر، ۱۹۹۲: ۹۸/۵).

ممنوعیت آزادی بیان، سخن و نگارش از مهم‌ترین مسائلی است که احمد مطر از آن رنج می‌برد چراکه شغل روزنامه‌نگاری باعث تبعید از بلاد عربی و حتی شعر او هم، باعث آزرده‌گی خاطرش شد (عایش، ۲۰۰۶: ۲۱).

رَبِّ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِ الكِتَابَةِ / أَوْ اعْطِنِي مَنَاعَةَ / لِأَتَقِيَ مَبَاضِعَ الرِّقَابَةِ / فَكُلُّ حَرْفٍ مِنْ
حُرُوفِهِ وَرَمٌّ / فَكُلُّ مَبْضِعٍ لَهُ فِي جَسَدِي أَصَابَةٌ (مطر، ۱۹۹۲: ۲۰)

به نظر احمد مطر، حاکمان ظالم، آزادی‌اندیشه را هم از مردم سلب می‌کنند طوری که حتی آن‌ها حق خواب دیدن را ندارند و هرگونه تحرکی از جانب آن‌ها ولو در تاریکی و تنهایی، برنامه ریزی در جهت براندازی نظام تلقی می‌شود (صدقی و قدیمی، ۱۳۸۴: ۸۴؛ عظیمی و سپهوند، ۱۳۹۶: ۲۵) و ترجیح می‌دهد شاعری گرسنه اما آزاده در رکاب حسین باشد و پشت سر او نماز بگذارد و تحت بردگی حاکمان اما سیر در زندگی مرفه و آسوده نباشد:

فَإِنْ خَيْرٌ مَا بَيْنَ اثْنَتَيْنِ / أَمْ أَعْنَى مَتْرَفًا عِنْدَ يَزِيدَ / أَوْ أَصَلَّى جَائِعًا خَلْفَ الحُسَيْنِ /
سَأَصَلِّي جَائِعًا خَلْفَ الحُسَيْنِ (همان: ۱۸۸)

احمد مطر در شعر «دمعة علی جثمان الحريرة» (قطره اشکی بر پیکر آزادی) برای آزادی و در تشییع پیکر آزادی می‌گرید و خویش را از بدو ولادت تا زمان مرگ، بنده‌ای می‌یابد در بند تقلیدهای کورکورانه دیگران (حیدریان شهری، ۱۳۹۳: ۱۷).

حِينَ وُلِدْتُ / أَلْفَيْتُ عَلَى مَهْدِي قِيدًا / خَتَمُوهُ بِوَسْمِ الْحُرِّيَّةِ / وَعِبَارَاتٍ تَفْسِيرِيَّةٍ / يَا عَبْدَ الْعُرَى كُنْ عَبْدًا / وَكَبِرْتُ وَلَمْ يَكْبُرْ قِيدِي (همان: ۲۲)

نصرالله مردانی هم در اشعار خود، مردم را به مبارزه با مظاهر فساد و کسب آزادی و بیداری فرا می‌خواند و اینکه دوران زور و ستم را پایان می‌پندارد و دوران رهایی از ظلم را آغاز می‌نماید:

گذشت دور خدایان زور و زر دیگر / شکفت بر لب یاران سلام بیداری (مردانی، ۱۳۶۸: ۳۷۳)

و اشاره می‌کند که آزادی با سلاح دستان کهنه کار (مام خمینی) میسر می‌شود نه با ابزار و ادوات جنگی طاغوتیان:

غرور سرکش اسفندیار روئین تن / ز تیر ترکش دستان کهنه‌کار شکست (همان: ۴۶۷)

و این شاعر معاصر فارسی می‌گوید این آزادی به قیمت مقاومت و پایداری مردم و ریختن خون شهیدان به وجود آمده است که بیانگر بیداری در مقابل بیدادی است و این درخت تنومند آزادی با خون شهیدان آبیاری شده است:

بگو حدیث رهایی زنده عشق / که بر لبان تو جوشد کلام بیداری (همان: ۳۷۴)

هر دو شاعر معاصر تازی و پارسی، آزادی را رهایی بخشی از ظلم و ستم و خفقان حاکمان می‌دانند و برای بدست آوردن این ارزش، از بسیاری ارزش‌ها و لذت‌ها می‌گذرند.

عشق به وطن

عشق به وطن در وجدان هر شاعری، همیشگی است و عشق اول هر شاعر ادبیات پایداری، وطن‌اش می‌باشد که قابل معاوضه با هیچ ثروتی نیست چراکه آن تاریخ ملت، گذشته، اکنون و آینده‌اش می‌باشد. مسأله وطن، علاقه و اشتیاق به سرزمین و دفاع از آن، امر جدایی ناپذیر ذات، وجدان انسانی و بخش طبیعی از زندگی بشر است (محفوظ،

۲۰۰۳: ۲۲). / احمد مطر شاعری متعهد است که نسبت به وطن‌اش، عشق می‌ورزد و می‌گوید هرچند از تو تبعید شوم اما عشق به تو همواره در قلبام است و معجزه می‌کند: یا وَطَنِي / ضُقتُ في قَلْبِي / وَكنتَ لي عَقوبَةً / وَكنتَ أنتَ ضارِبِي وموضع الضَّرْبِ / طَرَدتَنِي / فَكنتَ أنتَ حُطوتِي / أَصبحتَ في حُبِّي / مُعجزةً / حينَ هَوَى قَلْبِي قَدِي قَلْبِي / يا قاتلي / كفاك أن تَقْتلَنِي / مِن شِدَّةِ الحُبِّ (مطر، ۱۹۸۷: ۷۰)

در شعر پایداری، اندیشه وطن‌دوستی در تفکر جهان وطنی یا امت واحده مستحیل شد و هرگاه شاعر به ستودن خاک خود بپردازد، وجوه دینی و تقدیس آن را مد نظر قرار می‌دهد (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸). / احمد مطر هم تمام هستی‌اش را وطن می‌نامد و حتی می‌گوید می‌میریم تا اینکه وطن زنده شود و آن را مقدس می‌شمارد:

أبي وَطَنٍ / أمِّي وَطَنٍ / رائدنا حُبُّ الوطنِ / نموتُ كي يحيا الوطن (همان: ۸۰)

وطن / احمد مطر تنها عراق نیست بلکه تمام سرزمین عرب را وطن خود می‌نامد و به آن تعصب می‌ورزد. / احمد مطر در مشکلات مردم کرانه باختری، اهالی این منطقه را که با نیروی ایمان، مبارزه می‌کنند مردمان به حق و روح خدا معرفی می‌کند و از مردم لبنان می‌خواهد که به مردم عراق مبارزه پیامورند تا تلاش کنند از مجالس زر، تزویر و ظلم رهایی یابند. دشمنان سرزمین‌های عرب را یکسان می‌داند که در همه جا و هر زمانی حاضرند و به مکان‌های کشور عربی مانند کرانه باختری، شبه جزیره سینا، بلندی‌های جولان، شرم‌الشیخ (اردن، سوریه، لبنان و مصر) که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند اشاره دارد و با تکیه بر شاخصه‌های مشترکی چون وجود دشمن در وطن، درد و رنج، ظلم و ستم و مبارزه علیه آن‌ها، هویت قومی و سرزمینی مشترک میان کشورهای عرب را نمایان می‌سازند (حاجتی و صفایی سنگری، ۱۳۹۲: ۵۶).

اهل الضَّفة... أنتم حقُّ / اهل الضَّفة أنتم روحُ الله / وانتزعونا مِن حَفلاتِ الزَّارِ وَمِن مؤتمراتِ التَّزويرِ / وَدَعونا نَتَعلم مِنهم / فالاعداءُ مكانٌ / منذَ زمانٍ / شرموا شرمَ الشَّيخِ / وَبالوا في سيناء / ناموا في الجولانِ / وقاموا في لبنان (مطر، ۲۰۰۸: ۲۰۷)

/ احمد مطر شعر را وطن خویش قرار می‌دهد نه به حاکمان دل خوش می‌کند و نه به مردم، او در وطن خویش، غریبانه ایام می‌گذراند و با زبانی طنز می‌گوید (رجبی، ۱۳۹۱: ۸۳):

كُلُّ مَا فِي بَلَدْتِي / يَمَلَأُ قَلْبِي بِالْكَمْدِ / بَلَدْتِي غَرَبَةٌ رُوحٌ وَالْجَسَدُ / غَرَبَةٌ مِنْ غَيْرِ حَدٍّ / غَرَبَةٌ فِيهَا مَلَائِينُ / وَمَا فِيهَا أَحَدٌ (مطر، ۲۰۰۸: ۴۴۸)

نصرالله مردانی با توصیف سرزمین خود و رشادت‌های مردم آن در طول تاریخ، از جمله مبارزات مردم، ستایش گذشته‌ها و حتی مظاهر سرزمین خود، مردم را به پاسداری و حراست از وطن خویش دعوت می‌نماید. به‌ویژه افرادی که در غربت به سر می‌برند عشق و علاقه خود را به وطن خویش به طرز باشکوهی ابراز می‌دارد که از همین موضوع برای تشویق مردم در جهت دفاع و حفاظت از کیان ایران اسلامی استفاده می‌نماید:

شهر من شهر مجروح خسته / شهر آینه‌های شکسته

(مردانی، ۱۳۶۸: ۱۷۵)

شهر من شهر باران و پاکی / کوچه در کوچه بن‌بست و خاکی

(مردانی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

نصرالله مردانی با تکرار لفظ «شهر» در ابتدای هر بیت، روح حماسی را برمی‌انگیزد و نوعی شور و شوق و هیجان به مخاطب می‌دهد و او را تحریک به عشق وطن می‌نماید (محمد هاشم و جلائی، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

امید به آینده وطن در شعر پایداری ظهور می‌کند که از برجسته‌ترین ویژگی‌های ادبیات پایداری است و اگرچه ویران شدن خانه‌ها را گزارش می‌دهد اما در منطق ادبیات پایداری، ویرانی هر کلبه، نوید آبادانی میهن است (امیری خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۷۴) و نصرالله مردانی هم به این طلوع، نوید می‌دهد:

چراغ کوكب شبنم به شاخه آویز است / خزان گذشته و باد بهار گلریز است

جهان ز تابش خورشید عشق روشن باد / طلوع فجر خدایی همیشه روشن باد

(مردانی، ۱۳۷۰: ۵۴)

زمانی که وطن مورد هجوم بیگانگان قرار گیرد شاعر پایداری، مردم را به مقاومت ترغیب می‌کند و چنین می‌سراید:

گلگونه شهیدان با خون گل بشوید / تا سرخ‌تر نماید رخسار روزگاران

هابیلیان کجایند، قابیل دیگر آمد / ننگ است جان سپردن در دخمه تاران

(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

هرگاه سخن از سرزمین و وطن به میان می‌آید اسطوره‌های ملی مطرح می‌شوند و اسطوره‌ها و نمادهای ملی پل پیوند امروز و گذشته هستند (واحد دوست، ۱۳۸۱: ۷):
جنگجویان دلاور، پیشتازان دلیر / آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
(همان: ۴۴)

هر دو شاعر، به وطن عشق می‌ورزند و تمام هستی خود را در دفاع از وطن فدا می‌کنند و مرز وطن آن‌ها مرز یک کشور نیست بلکه مرز یک ارزش، یک مذهب است.

دعوت به مبارزه و قیام

استبداد داخلی و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی از جمله زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری است و بذر اولیه آن را حق‌کشی، مظلوم‌ستیزی و «حوادث ناگواری چون جنگ و نابرابری‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی فاسد» پراکنده‌اند (سنگری، ۱۳۸۰: ۸۳). احمد مطر در شعر «الیقظة» عرب را از خواب غفلت بیدار می‌کند که در برابر بیداد و بیدادگران مقاومت کنند:

صَبَّاحَ هَذَا الْيَوْمِ / أَيْقَظُنِي مُنْبَهُ السَّاعَةِ / وَقَالَ لِي يَا بَنَ الْعَرَبِ / قَدْ حَانَ وَقْتُ النَّوْمِ (همان: ۹)
شاعر در شعر «اترکونا» مسأله قدس و فلسطین را به عنوان نماد مبارزه و ایستادگی در ذهن دارد و با بیان آن در اشعار، خواهان بیداری و آگاهی وجدان ملت‌ها جهت مبارزه با فرومایگان است (غنیم، ۱۹۹۸: ۷۷) و سعی دارد با ارزش‌گذاری مبارزات فلسطینیان، انگیزه خروش و خیزش را در میان ملت عرب تقویت کند:

حَجْرٌ فِي كَفِّ طِفْلِ بَفَلَسْطِينَ / عِبَادَةَ .. وَ حَجْرٌ فِي كَفِّ طِفْلِ بَفَلَسْطِينَ / بِلَادِ (همان: ۲۰۶)
و حتی با لحنی تند، شاعران را موظف به ادای رسالت در قبال تابسامانی‌ها می‌داند و آن‌ها را در برابر این رسالت تهییج می‌کند (حاجتی و صفایی سنگری، ۱۳۹۲: ۶۱).
كَفَرْتُ بِالشَّعْرِ الذِّي / لَا يُوقِفُ الظَّلْمَ وَلَا يُحَرِّكُ الضَّمَائِرَ / ... لَعْنَةُ كُلِّ شَاعِرٍ لَا يُقْتَنِي
قُنْبَلَةَ / كِي يَكْتَبَ الْقَصِيدَةَ الْأَخِيرَةَ (همان: ۷۵)

احمد مطر در جای جای دیوان خویش، ملت‌های عرب را به قیام و بیداری فرا می‌خواند و با بیان واژه‌ها، صفات و منسوب کردن عرب بدان، ملت‌های خفته عرب را از خواب غفلت برمی‌انگیزد و وادار به تکاپو می‌کند:

هُدُوئِي فِي نَهْشِ الْحَرِيْقِ فَوَاذُ الظَّلامِ / وَتَرْفَعُ الشَّكْوَى إِلَى جَلَالَةِ الظَّلامِ / فَمَهْمَا أَشْرَقَتْ
شَمْسٌ فَلَنْ تَلْقَى لَهَا الْجَدْوَى / سِوَى الاعْرَاضِ وَالصَّدِّ مِنَ العَمِيَانِ وَالرَّمْدِ (همان: ۱۱۲)
شاعر برای تحریک ملت برای قیام در برابر ظلم و ستم، اسلوب طنزآمیز به کار می‌برد
(سعدون زاده، ۱۳۸۸: ۶۷).

أَيُّهَا الشعبُ / فَلَمَّا ذَا خَلَقَ اللهُ يَدِيكَ / حَتَّى تَسُوِّيَ شَارِبِيكَ / حَاشَ لِلَّهِ (همان: ۱۰۷)
شاعران با اشاره به مظلومیت رزمندگان و تکیه بر دفاع از دین، میهن، ناموس و... و با
توسل به اسطوره‌های ایرانی- اسلامی، مردم را به جهاد و به پیروی از تکبیرگویی فاتح
فرا می‌خواند (همان: ۱۰) که مردانی هم از این قاعده، مجزا نیست همانگونه که می‌گوید:
ای ظفرمندان ظفرمندان در سنگر به پیش ای سواران سحر! گردان نام‌آور به پیش
جنگ‌جویان دلاور! پیش‌تازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
(مردانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱)

نصرالله مردانی در اشعار خویش، به بیان دلاوری‌های رزمندگان و افتخارات کشور،
تشویق رزمندگان به قیام و دعوت به مبارزه می‌پردازد:
ماییم از نبیره هابیل آفتاب کاین گونه در مقابل قابیل ظلمت‌ایم
(همان: ۲۷)

اشعار نصرالله مردانی مبین جلوه‌های ایمان ایرانیان در حفظ آب و خاک و حیثیت
دینی و مذهبی خویش در برابر هجوم دشمنان است.
مردانی همچون دیگر شاعران صادق و پراحساس و پرشعور مردمی است (صدقی و
عظیم زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۸). محور اصلی در شعر مردانی، شهادت است و از واژه خون با
بسامد بالا در تصویرسازی استفاده کرده است که برای بن‌مایه مبارزه و قیام استفاده
می‌کند:

شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید به دار سرخ انا الحق دوباره باید رفت
(همان: ۳۴۹)

ترکیب "زنده تاریخ عشق"، مفهوم آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹) را در بر دارد و البته زنده عشق هم هست چراکه عاشقانه

پا به این سیر نهاده و در مصراع دوم "دار سرخ انا الحق" تلمیح به شهادت سرخ منصور حلاج دارد که با ذکر انا الحق به دیدار محبوب شتافت (همان: ۲۰۵):

بیوش جوشن آتش به تن سواره فلق که در مصاف خسان چون شراره باید رفت
(همان: ۳۴۹)

در شعر *نصرالله مردانی*، نور و شعله و آتش جایگاه خاصی دارد. تشبیه جوشن آتش و سوار فلق، بازگوکننده تیزی و تندی و عزم و اراده آشناک سربازان اسلام است و با توجه به اینکه این تیزی و تندی، سیری رو به بالا دارد از ترکیب سوار فلق - سوار سپیده استفاده کرده است. کلمه خسان، صفت جانشین موصوف است و استعاره از سپاه مزدور عراق است و شراره نیز به تهییج شعر می‌افزاید (همان: ۲۰۷):

به پا خیزای سوار موج، ای سردار دریایی پریشان باطنین طبل طوفان، خواب دریا کن
(همان: ۲۶۷)

استعاره سردار دریایی برای سرباز اسلام بر زیبایی شعر می‌افزاید و همچنین خطاب ای سوار موج، قدرت و هیبت را می‌رساند. پریشان کردن خواب دریا کنایه‌ای است که می‌توان آن را نوعی برجسته سازی می‌توان به حساب آورد (همان: ۲۰۹).

احمد مطر و نصرالله مردانی، مردم را به قیام و مبارزه علیه دشمنان تشویق می‌کردند و نسبت به ظلم و ستم اعتراض داشتند و حس نوع دوستی، هنگام وصف قیام در اشعارشان موج می‌زد و عناصر طبیعی را در بیان مبارزات به کار می‌گرفتند؛ با این تفاوت که لحن *احمد مطر*، لحن نومیدی همراه با طنز است و لحن *نصرالله مردانی*، در وصف قیام و مبارزات، همراه با لحن امیدواری آزادگی بود و بسامد خون و شهادت درصد زیادی از اشعارش را در بیان مقاومت، پایداری و مبارزه شامل می‌شود.

بهره‌گیری از نمادهای تاریخی، قومی و مذهبی

توجه شاعران به نمادها و مؤلفه‌های مشترک تاریخی، قومیتی و مذهبی و بکارگیری و احیای آن‌ها با کارکردهای مختلف در آثار ادبی، نوع اندیشه و نگرش آنان را آشکار می‌کند. شاعران پایداری در بکارگیری این نمادها، برای ایجاد روحیه قهرمانی مردم، تداوم بخشی مبارزات و تقویت روح حماسی بهره می‌گیرند (حاجتی و صفایی سنگری،

۱۳۹۲: ۵۴) که نمونه‌هایی از این نمادها در اشعار /احمد مطر و نصرالله مردانی مشاهده می‌شود.

/احمد مطر از نوعی فراخوانی شخصیت‌های دینی، تاریخی برای نشان دادن جهت‌گیری‌های فکری خود استفاده کرده است (عشری، ۲۰۰۶: ۲۴). شخصیت‌های مذهبی - تاریخی چون /امام حسین(ع) و /بوذر که در گذر زمان به عنوان نماد ایثار، معنویت و ایمان در مقابل فرعون و یزید که مظهر دنیاگرایی و طغیان و ظلم‌اند مورد اشاره قرار گرفته‌اند. استعمال این نمادها، بر کاربرد رمز در شعر معاصر عرب که در جهت نوعی انقلاب برابر واقعیت‌های اجتماعی فاسد و طلب واقعیت‌های الگویی است تأکید دارد (جبر شعث، ۲۰۰۲: ۳۶۴؛ حاجتی و صفایی سنگری، ۱۳۹۲: ۵۵).

فَإِنْ حَيَّرْتُ مَا بَيْنَ اثْنَتَيْنِ / أَمْ أَعْنَى مُتْرَفًا عِنْدَ يَزِيدٍ / أَوْ أَصَلَّى جَائِعًا خَلْفَ الْحُسَيْنِ /
سَأَصَلِّي جَائِعًا خَلْفَ الْحُسَيْنِ (مطر، ۲۰۰۸: ۱۸۸)

إِنَّ فِرْعَوْنَ طَغَى / يَا أَيُّهَا الشَّعْرُ / فَايْقِظْ مِنْ رَقْدٍ / قُلْ هُوَ اللَّهُ... (همان: ۴۸۷)

نماد فلسطین و قدس رمز شاعران معاصر می‌باشد. /احمد مطر هم از این نمادها در اشعارش استفاده نموده است به نظر او قضیه فلسطین، پیوسته وجود دارد به رغم اینکه حکام عرب آن را فراموش نموده‌اند اما انسان‌ها و دولت‌های شریف، پیوسته به فکر آزاد نمودن سرزمین‌های اشغالی هستند:

هَرَمَ النَّاسُ وَكَانُوا يَرْضَعُونَ / يَا فِلَسْطِينَ وَمَا زَالَ الْمُغْنَى يَتَغْنَى / وَمَلَايِينُ الْحَوْنِ / فِي
فِضَاءِ الْجُرْحِ تَفْنَى / وَالْيَتَامَى يُؤَلَدُونَ / يَا فِلَسْطِينَ وَأَرْبَابَ النَّضَالِ الْمُؤْمِنُونَ / سَاءَ هَمِّ مَا
يَشْهَدُونَ (همان: ۴۰)

يَا قَدْسُ مَعْدَرَةٌ وَمِثْلِي لَيْسَ يَعْتَذِرُ / مَا لِي يَدِّ فِي مَا جَرَى فَالْأَمْرُ مَا أَمْرُوا / لَوْ أَنَّ أَرْبَابَ
الْحِمَى حَجَرُوا لِحَمَلَتِ فَأَسَأَ دُونَهَا الْقَدْرُ (همان: ۴۳)

شاعر از حمله آمریکا به عراق سخن می‌گوید که در آن آمریکا به پشتیبانی از کویت، عراق را تحت حملات خود قرار داد. شاعر، اسرائیل را به عنوان یک بچه سر راهی فتنه‌انگیز، عامل این کشتارها می‌داند شاعر حکومت عراق و آمریکا را مانند هابیل و قابیل معرفی می‌کند که پس از مدت‌ها دوستی و برادری در صدد از بین بردن همدیگر برآمدند و عامل این مسأله را دولت اسرائیل می‌داند. وی این عامل را در پایان قصیده

خود به کنایه بیان می‌کند که خود نشان دهنده جنبه طنز این قصیده است (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۱۰):

الفتنة اللقيطة: فكيف ضاقت بكما فكنتما القاتل والقتيل / قابيل... يا قابيل / لو لم يُجى
ذکرکما فی محکم التنزیل / لقلتُ مُستحیل! / مِن زرعِ الفتنة ما بینکما / ولم تُکن فی
الارض اسرائیل (همان: ۳۳۹)

اعتقادات و باورهای دینی نصرالله مردانی هم به گونه‌ای است که اشعار او را تحت الشعاع قرار داده و می‌توان گفت که وجه غالب در اندیشه‌های شعر مردانی، از درونمایه‌های دینی و مذهبی نشأت گرفته است (رسولی نژاد و زارعی، ۱۳۹۱: ۶۸). در این راستا، نصرالله مردانی نمادهای ملی را در کنار نمادهای دینی قرار می‌دهد و با طرح چهره‌های مذهبی و ملی، سعی در ارائه الگوهایی دارد که جانشان را در دفاع از ارزش‌های دینی و مرزهای جغرافیایی ایثار کرده‌اند و نامشان به نماد تشبیه شده است. وی با طرح این نمادها، الگوسازی می‌کند و رزمندگان را به پیروی از این الگوها ترغیب می‌کند همانگونه که در ابیات زیر «راه حسین» نماد راه حق «تهمتن» نماد مبارزه با دیوها و دشمنان ایران، «آرش» نماد ایثار جان و نجات کشور است (همان: ۲۰۴).

راه ما راه حسین است که با تیشه خون همه بت‌های زمین در شب روشن کنیم
شیشه عمر تو ای دیو بد آیین زمان ما به سرپنجه ایمان چو تهمتن شکنیم
(مردانی، ۱۳۷۰: ۲۶)

جنگجویان دلاور پیشتازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
(همان: ۲۴)

نصرالله مردانی، اسفندیار را به عنوان نماد غرور و سرکشی در جایگاه حکومت تا دندان مسلح ستمشاهی قرار می‌دهد و امام خمینی (ره) را رستم دستان داستان انقلاب اسلامی می‌داند که طاغوت با تیر ترکش او نابود می‌شود (عمرانی، ۱۳۸۷: ۵۸):

غرور سرکش اسفندیار روئین تن ز تیر ترکش دستان کهنه کار شکست
(همان: ۱۵۴)

و امام (ره) را پیام‌آور فتح می‌داند، مردم را منتظران موعود و منتظران وعده پیروزی حق بر باطل:

به جمع منتظران ای پیام‌آور فتح حضور یاد تو دیوار انتظار شکست

(همان: ۱۲۱)

نصرالله مردانی از ابوذری غفاری، صحابه پیامبر(ص) در سال‌های سنگین مبارزه سکوت‌آمیز با انحرافات پس از پیامبر(ص) که به جرم حمایت از حق و عدالت خواهی، رنج محرومیت‌های گوناگون و تبعید در بیابان ربنده را بر خود هموار کرد. وی که در فرهنگ و ادبیات انقلاب اسلامی و سخن سخنوران و قلم‌اندیشمندان، جایگاه خاصی داشت را نام می‌برد و منظور از او، آیت‌الله طالقانی است که وی را می‌ستاید(همان: ۵۹):
در سوگات ای ابوذر دوران، چریک پیر کوه و درخت و ابر و نسیم گریست
(همان: ۱۲۴)

و از حضرت مریم(ع) به عنوان نماد طهارت و پاکی یاد می‌کند:

مادر ای مریم بزرگ زمان خرم از تو بهار ایمان است

(همان: ۱۶۵)

مردانی نقطه‌ای دیگر از الگوهای مذهبی را آشکار می‌سازد تا رنگ دینی قیام اسلامی امام(ره) را بیش‌تر آشکار سازد:

منصور سر بریده ما با زبان سرخ ناخوانده گفت قصه بی‌انتهای خون

(همان: ۱۱۷)

همچنین از نمادها و الگوهای دینی دیگر از قبیل پیامبر اسلام در کلمه «رسول»، حضرت یوسف در واژه «عزیز» استفاده می‌کند:

به قله‌های ظفر خطبه رسول زمانه بشارتی است در این صبح نودمیده خون

به گرگ خاک، شهید عزیز ما بسپارید که انفجار دگر دارد این سپیده خونین

نصرالله مردانی تداعی افسانه‌های کهن در طلوع انقلاب اسلامی را به واقعیت پیوستن حقایق و آرمان‌های ملی و اسلامی ملت ایران می‌داند و سپس به بخش‌هایی از فرهنگ اساطیری، در قالب نام‌ها و نشانه‌ها اشاره می‌کند(همان: ۶۰).

با کوله بار نور می‌آید سحرگاه از کوچه‌های صبحدم شهرزاد خورشید

از آسمان عشق بی شیرین مهتاب کوه سیاهی می‌کند فرهاد خورشید

(همان: ۱۶۵)

احمد مطر و نصرالله مردانی هر دو از نمادهای قومی و مذهبی خود در اشعارشان بهره جستند و برخی از نمادهای مذهبی در شعر هر دو آمده است به مانند حضرت یوسف، ابوذر غفاری و... که این به علت اشتراک در دین هر دو یعنی دین اسلام است و نمادهای ملی یا قومی در اشعار احمد مطر به گونه طنزآمیز ذکر شده است اما نمادهای ملی و قومی در شعر نصرالله مردانی، نماد اسوه و الگوی سرافرازی ملت ایران هستند.

نتیجه بحث

آزادی و آزادگی دو گوهر گرانبها هستند که احمد مطر و نصرالله مردانی هم در اشعار پایداری خود به آن‌ها توجه کرده و مردم را برای عمل به آن ترغیب نموده‌اند. با این تفاوت که احمد مطر در مذمت نبود آزادی اجتماعی و بیانی در روزگار خویش به صورت طنزگونه سخن می‌گوید و نصرالله مردانی از روزگار پیشین شکایت می‌کند که سلب آزادی نموده بودند و در روزگار خود یعنی بعد از انقلاب شهدا را اسوه آزادگی می‌داند.

وطن از افتخارات انسان در طول تاریخ و جزو مهم‌ترین بن‌مایه‌های اشعار شاعران معاصر عرب و فارسی است و احمد مطر به وطن‌اش عشق می‌ورزد و تبعیدش از وطن را نوعی اجحاف می‌داند چراکه دور شدن از عشق‌اش می‌باشد و همچنین در دفاع از ارزش‌ها، وطن‌اش را مختص عراق نمی‌داند بلکه تمامی کشورهای عربی، کشور او هستند و نصرالله مردانی هم به مانند احمد مطر شعرهای زیادی در وصف وطن دارد و از کلماتی به مانند شهر در بیان وطن استفاده می‌نماید و حفظ تمامیت وطن را وظیفه هر انسانی می‌داند و از ایثار و جان‌فشانی شهیدان در دفاع از میهن تمجید می‌کند.

دعوت به مبارزه و قیام یکی دیگر از موضوعات مهم سروده‌های پایداری شاعران معاصر عرب و فارسی از جمله احمد مطر و نصرالله مردانی است سروده‌های هر دو شاعر در این زمینه تأثیر بسیار زیادی بر روحیه مردم و به خصوص جوانان متعهد و پرانگیزه می‌گذارد و آنان را به برخاستن و دفاع فرا می‌خواند. بدین طریق، اشعار آن دو، چگونگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر روحیه افراد یک جامعه را به نمایش می‌گذارد. با این تفاوت که بیانی که احمد مطر میان ملت عرب به کار می‌برد بیانی طنزگونه و ناامیدکننده است اما بیان نصرالله مردانی بیان حماسی و آرمانی جهت تهییج افکار جوانان برای قیام

می‌باشد. بکارگیری نمادهای ملی، مذهبی و قومی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های ادبیات پایداری است. احمد مطر و نصرالله مردانی هر دو از عناصر تاریخی، باستانی و ملی خود بهره جسته‌اند و اعمال و رفتار آن‌ها را ترسیم کرده‌اند و آن‌ها را با جبهه حق و باطل و شخصیت‌های مثبت و منفی دوران خویش تطبیق نموده‌اند؛ با این تفاوت که این نمادها در شعر نصرالله مردانی پررنگ‌تر و حماسی‌تر است و در شعر احمد مطر، طنزآمیزتر می‌باشد تا هر یک با توجه به محیط و روحیه مردمان خویش، بر ذهن مخاطب تأثیرگذارتر باشند.



کتابنامه

قرآن کریم.

امیری خراسانی، احمد. ۱۳۸۸ش، نامه پایداری، تهران: بنیاد آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
امین مقدسی، ابوالحسن. ۱۳۸۶ش، ادبیات تطبیقی، چاپ اول، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
حسینی، حسن و موسی بیدج. ۱۳۸۰ش، نگاهی به خویشتن، چاپ اول، تهران: انتشارات صدا و
سیمای جمهوری اسلامی ایران.

داد، سیما. ۱۳۷۵ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: انتشارات مروارید.

سنگری، محمدرضا. ۱۳۸۰ش، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: پالیزان.
شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۰ش، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، چاپ
اول، تهران: سخن.

غنیمی هلال، محمد. ۱۳۷۳ش، ادبیات تطبیقی، ترجمه سیدمرتضی شیرازی، تهران: امیرکبیر.
کاکایی، عبدالجبار. ۱۳۸۰ش، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران:
پالیزان.

مردانی، نصرالله. ۱۳۷۰ش، خون‌نامه خاک، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان.

مردانی، نصرالله. ۱۳۸۷ش، آن یار دلنواز، تهران: انتشارات سوره مهر.

مطر، احمد. ۱۹۹۲م، دیوان، لندن، بی نا.

میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. ۱۳۷۷ش، واژه‌نامه هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.

واحددوست، مهوش. ۱۳۸۱ش، رویکرد علمی به اسطوره‌شناسی، تهران: نشر سروش.

یا حقی، محمدجعفر. ۱۳۸۲ش، جویبار لحظه‌ها، چاپ پنجم، تهران: جامی.

کتاب عربی

جبر شعث، احمد. ۲۰۰۲م، الاسطورة فی الشعر الفلسطینی المعاصر، فلسطین: مكتبة القادسية
للنشر والتوزيع.

عشری، زاید. ۲۰۰۶م، استدعاء الشخصیات التراثیة فی الشعر العربی، القاهرة: دار الغریب.

محموظ، محمد. ۲۰۰۳م، الواقع العربی وتحديات المرحلة الراهنة، بیروت: دار الشرق الثقافة.

مطر، احمد. ۲۰۰۸م، الأعمال الشعرية الكاملة، لندن: دار المحبین.

مقالات

حاجتی، سمیه و علی صفایی سنگری. ۱۳۹۲ش، «تحلیل اجتماعی شناختی اشعار احمد مطر و
سیاوش کسرای»، مجله زبان و ادبیات عربی، ش ۹۲، صص ۴۵-۷۹.

- حاجی زاده، مهین. ۱۴۲۹ق، «أحمد مطر وقضايا شعره السياسي»، آفاق الحضارة الاسلامية، العدد ۲۲، صص ۴۷۷-۵۳۳.
- حیدریان شهری، احمدرضا. ۱۳۹۳ش، «پژوهشی در اندیشه‌های سیاسی احمد مطر»، لسان مبین، ش ۱۵، صص ۱-۲۳.
- رجبی، فرهاد. ۱۳۹۱ش، «رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر»، مجله زبان و ادبیات عربی، ش ۷، صص ۷۳-۱۰۲.
- رسول نژاد، عبدالله و شایسته زارعی. ۱۳۹۱ش، «بررسی تطبیقی زبان و بیان اندیشه و عاطفه در شعر مقاومت نصرالله مردانی و محمود درویش»، نشریه ادبیات تطبیقی، ش ۷، صص ۷۶-۵۵.
- سعدون زاده، جواد. ۱۳۸۸ش، «مظاهر أدب المقاومة فی شعر أحمد مطر»، مجله ادبیات پایداری، ش ۳، صص ۲۱۸-۲۰۶.
- سلیمی، علی و پیمان صالحی. ۱۳۸۹ش، «بررسی بازتاب عشق به وطن در شعر بهار و ابراهیم طوقان»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۹۷-۱۲۲.
- صدقی، حسین و امیر علی عظیم زاده. ۱۳۹۲ش، «بررسی موسیقی و صور خیال در شعر جنگ نصرالله مردانی»، ش ۹، صص ۲۱۲-۱۸۷.
- عظیمی، کاظم و فاطمه سپهوند. ۱۳۹۶ش، «مقایسه تطبیقی طنز سیاسی - اجتماعی در اشعار نسیم شمال و احمد مطر»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال یازدهم، شماره ۲۴، صص ۳۱-۹.
- غنیم، کمال أحمد. ۱۹۹۵م، «لقاء مع أحمد مطر». غزة، مجلة الرابطة، العدد الثاني.
- مجیدی، حسن. ۱۳۸۹ش، «مفهوم الحرية فی شعر أحمد مطر»، ش ۳، صص ۲۱۸-۲۰۶.
- محمد هاشم، هاشم و مریم جلائی. ۱۳۹۳ش، «دور ظاهرة التكرار فی تشكيل صورة الحرب فی الشعر الفارسی والعربی فی الربع الأخير من القرن العشرين»، مجلة دراسات فی اللغة العربية وأدابها، العدد ۲۰، صص ۹۷-۱۲۰.
- مطر، احمد. ۱۹۹۳م، «الحرية فی الحاضنة الطبيعية للإبداع»، الجزيرة العربية، العدد ۳۰.
- میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی. ۱۳۸۸ش، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار أحمد مطر»، مجله نشر پژوهشی ادب فارسی، ش ۲۲، صص ۳۲۲-۲۹۹.
- میرقادری، سیدفضل الله و حسین کیانی. ۱۳۹۰ش، «کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده، شاعر پایداری فلسطین»، نشر ادبیات پایداری، سال دوم، ش ۴، صص ۶۴۳-۶۱۱.

Bibliography

The Holy Quran

Amiri Khorasani, Ahmad (2009). Sustainability Letter, First Office, Tehran, Foundation for the Works and Publishing of Holy Defense Values.

- Amin Moghaddasi, Abolhassan (2007). *Comparative Literature*, Tehran, Publishing & Printing, Tehran University, First Edition-.
- Gebrasheth, Ahmed (2002). *The Legend in Contemporary Palestinian Poetry*, Palestine, Al Qadisiyah Library for Publishing and Distribution.
- Hajati, Somayeh and Ali Safaei Sangari (1392). Sociological Cognitive Analysis of Poems by Ahmad Matar and Siavash Kasraei, *Journal of Arabic Language and Literature*, 92, pp. 79-
- Hajizadeh, Muhayn (1429). Ahmadmater and Issues of Political Poetry, *The Prospects of Islamic Civilization*, No. 22, pp. 533-477.
- Hosseini, Hasan and Musa Bidej (1380). *A Look at Yourself*, Tehran, Publications of the Islamic Republic of Iran Broadcasting, First Edition.
- Heydarian Shahri, Ahmad Reza (1393). Research in Political Thoughts Ahmadmand, *Lassen Mobin*, Sh. 15, pp. 23-1.
- Give, Sima (1375). *Literature Dictionary of Literatures*, Tehran, Pearl Publications.
- Rajabi, Farhad (1391). Comic Mission in Mirzadeh Eshghi and Ahmad Matar's Poetry, *Arabic Language and Literature*, pp. 102-73
- Rasoul Nezhad, Abdullah and Shayesteh Zarei (2012). A Comparative Study of Language and Expression of Thought and Affection in the Poetry of Nasrollah Mardani and Mahmoud Darvish, *Adibiyat Literature*, pp. 76-55.
- Saadoun Zadeh, Jawad (1388). The manifestations of the literature of the resistance in the poetry of Ahmed Matar *Magazine Sustainable Literature*, pp. 3, pp. 218-206.
- Salimi, Ali and Peyman Salehi (2010), A reflection on the reflection of love for the homeland in the poetry of Bahar and Ibrahim Touqan, *Comparative Literature Studies, Quarterly*, No. 15, pp. 122-97
- Sangari, Mohammad Reza (1380). *Literary Review of the Holy Defense*, Tehran, Palizan.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1380), *Persian verse of Contemporary Art until the fall of the monarchy*, Tehran, Sokhan, First edition.
- Sedghi, Hossein and Amir Ali Azimzadeh (1392). The study of music and imagery in the poem of war Nasrallah Mardani, *Sh. 9*, pp. 220-187.
- Ashiri, Twelve, Zaid (2006). *Invitation of heritage figures in Arabic poetry*, Cairo, Dar al-Gharib.
- Azimi, Kazem and Fatemeh Sepahvand (1396) *Comparative Comparison of Political and Social Soundings in the Poems of Nasim North and Ahmadmandeh*, *The Quarterly in Comparative Literature Studies*, Vol. 11, No. 24, pp. 31-9.
- Ghunaim, Kamal Ahmed (1995). Interview with Ahmed Matar, *Gaza, Journal of the Association*, second issue.
- Ghanemi Helal, Mohammad (1373). *Comparative Literature* (translated by Seyyed Morteza Ayatollah Shirazi), Tehran, Amir Kabir.
- Kakaei, Abdul Jabbar (1380). *Comparative Study of Sustainability Issues in Iran and World Poetry*, Tehran, Palizan Publishing.
- Majidi, Hassan (2010). The concept of al-Haritha fi pooh ahmad matar, p. 3, pp. 218-206.
- Mahfouz, Mohamed (2003). *Arab reality and the challenges of the current stage*, Beirut, Dar Al-Sharq Al-Sharqiya.
- Muhammad Hashim, Hashem and Mariam Ghali (1393). The phenomenon of repetition in the formation of the image of war in Persian and Arabic poetry in the last quarter of the twentieth century, *Journal of Studies in Arabic Language and Literature*, No. 20, pp. 120-97
- Men, Nasrallah (1387). *That sweetheart*, Tehran, Soureh Mehr Publications.
- Men, Nasrallah (1370). *Tehran*, Kayhan Publishing House, Second Edition.

Matar, Ahmed (1992). London, indifferent.

Matar, Ahmed (2008), Complete Poetry, London, Dar Al-Mahbayn.

Matar, Ahmed (1993). Freedom in the Natural Incubator of Creativity, Arabian Peninsula, Issue 30

Mirzai, Faramarz and Mashallah Vahedi (2009). Intertextual Relationship of the Quran with Poems by Ahmad Matar, Journal of Persian Literature Research Publishing, 22, pp. 322-229.

Mir Sadeghi, Jamal and Myunet Mirsadeghi (1998). Glossary of Art of Fiction, Tehran, Mahnaz Book.

Mirqadri, Seyyed Fazlollah and Hossein Kiani (2011). Self-esteem in the mirror of Shahid Ali-e Khadeh poet, Sustainable Palestinian poet, Publishing Sustainable Literature, Second Year, Sh. 4, pp. 643-611.

vahed Dost, Mahvash (1381). Scientific Approach to Mythology, Tehran, Soroush Publishing.

yahaghe, Mohammad Jafar (1382). Hours of Moments, Tehran, Jamie, Fifth Edition.



Comparative Study of Common Themes of Resistance in Ahmad Mattar and Mardani's Poetries

Eesa Zare Dorniani

Assistant Professor, Arabic language & Literature, Payam – e Nour
University

Abstract

Resistance literature follows a unique orientation in most subjects and languages; poets and authors attempt to reflect their most important resistance themes in their works affected by common goals in order to encourage people to fight for their aims and lives. Thus the present paper – which is done in analytical – comparative method and based on American school of comparative literature – attempts to study common themes of two Persian and Arabic languages by focusing on two poets' works: Ahmad Mattar and Nasrollah Mardani and compares common concepts such as resistance, freedom and liberty, patriotism, call for fight and applying national, religious and tribal symbols. One of the most important achievements of the present article is that Ahmad Mattar's language is satirical and despairing while Mardani's language is epic, ideal and promising which both are affected by their literatures and pionners in national and religious symbols.

Keywords: comparative literature, resistance concepts, national, religious and tribal symbols.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی